

بررسی ره نمودهای اجتماعی و اقتصادی امام جعفر صادق (ع) در زندگی

ستاره موسوی^۱: دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه اصفهان

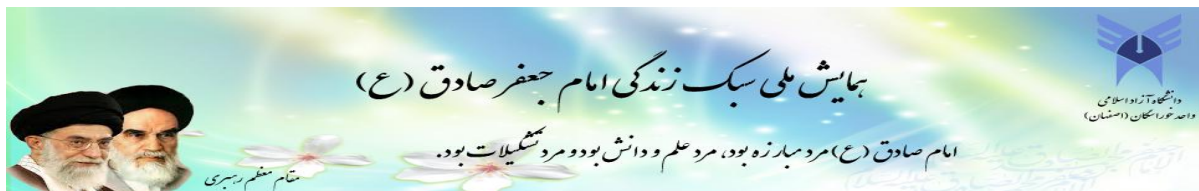
دکتر محمد رضا نیلی: عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

شکوفه رضازاده: دانش آموخته کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی

چکیده

دین اسلام مجموعه ای از فعالیتهای تربیتی در بعدهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سیاسی را به منظور از بین بردن صفتهای ردیلت و ایجاد صفتهای فضیلت را توصیه نموده است. به عبارتی برپایه ی این دیدگاه، دین اسلام، دینی ارزشی و اخلاقی است که هدفش یاری کردن افراد در مسیر کسب شناختها، گرایشها و رفتارهای اخلاقی و ارزشی در همه جنبه زندگی است در این راستا، امام صادق (ع) به منظور رشد علم، و پرورش شاگردان و امت خود در زمینه های اقتصادی و اجتماعی به منظور تحقق سبک زندگی اسلامی و سالم رویه هایی را پیشنهاد نموده است. تحقیق حاضر با روش توصیفی تحلیلی به بررسی سیره امام جعفر صادق (ع) و منش و رهنمودهای ایشان در زمینه های اجتماعی و اقتصادی پرداخته است

واژگان کلیدی: امام جعفر صادق (ع)، اقتصادی و اجتماعی

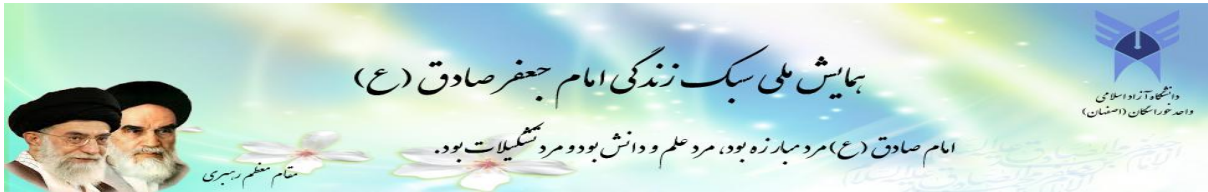


مقدمه

انسان به سبب برخورداری از مکانیسم پیچیده روحی و جسمی، دارای مجموعه ای از ویژگیها و خصایص است که بررسی هر یک از آنها می تواند سرمنشاء شکل گیری حوزه ای برای مطالعه علمی باشد. مثلاً یکی از ویژگیهای روحی - روانی بشر در عرصه ارتباط با دیگران این است که می خواهد همواره «او را دوست بدارند و او نیز دیگران را دوست بدارد». برخی از روان شناسان، این ویژگی را در قالب «نیازهای اساسی» انسان بررسی کرده اند. مثلاً مازلو در طبقه بندی نیازهای انسان، دو طبقه نیازهای کمبود یا اساسی^۲ و نیازهای رشد یا فرانیازها^۳ را مشخص کرده و مواردی همچون نیازهای جسمانی، امنیت، عشق و تعلق و عزت نفس را در طبقه اول قرار می دهد و معتقد است تا این نیازها برآورده نشود، انسان نمی تواند روند طبیعی شخصیت خود را دنبال کرده و در صدد تأمین نیازهای رشد یا فرانیازهای خود برآید (شعبانی، ۱۳۸۶). در همه ادیان الهی از جمله اسلام، مبنای اصلی روابط انسانی بر محبت و انسان دوستی بنا شده است. شواهد تاریخی نشان می دهد که رمز توفیق انبیاء در جلب حداکثری توده های مختلف مردم نیز به همین موضوع بر می گردد. در باره رفتار مبتنی بر محبت انبیاء به عنوان اولین و مهمترین الگوی روابط انسانی که مستقیماً تحت هدایت و نظارت الهی صورت گرفته است، مباحث فراوانی مطرح شده است ولی نکته قابل ذکر این است که دستور مستقیم این «الگوی رفتاری»، با مضمونی کاملاً آشکار از جانب خداوند به پیامبران دیکته شده است تا در مراحل بعدی، به عنوان یک الگوی رفتاری فراگیر، مورد استفاده پیروان ادیان الهی قرار گیرد. بی تردید جایگاه انسان دوستی در تعلیم و تربیت اسلامی جایگاهی قابل اعتناست و نمی توان بدون گذار از این هدف والای تربیتی به آنچه تعلیم و تربیت می گوید رسید در تفکر اسلامی ضمن احترام به انسان، انسان دوستی را بیش از انسان محترم و ارزشمند می شمارد اگر انسانی ارزشمند تلقی می شود به خاطر ارزشهایی است که در وجود او به نهادینه گذاشته شده است. از دیدگاه تعلیم و تربیت اسلامی انسان دوستی مایه قوام و برپایی جامعه انسانی است و بدون مهربانی و انسان دوستی نظام اجتماع بشری سرد و بی روح و زیبایی های زندگی به کام انسان تلخ و بی معناست از دیدگاه اسلام کسی که آدمی را برای زندگی اجتماعی آفریده احساس نیاز به انسان دوستی را نیز در وجود او قرار داده است او هم خود رحمان و رؤف و مهربان است و هم بندگانش را بر این سرشت آفریده است خدای مهربان، بندگانش را به محبت و مهرورزی تشویق می کند و اهل مهر و عاطفه را جزو اصحاب میمنه معرفی می کند؛ کسانی که نامه اعمالشان به دست راستشان داده خواهد شد یا کسانی که وجودشان سرشار از یمن و برکت برای خودشان و دیگران است. آن گاه می فرماید: *تَمَّ كَانٌ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَ تَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ*. سپس از کسانی باشد که ایمان آورده اند و یکدیگر را به صبر و استقامت و مهربانی و عطف و توصیه می کنند. اینان اصحاب یمین هستند. رسول گرامی اسلام نیز استحکام پیوند و مودت و مهربانی مؤمنان با یکدیگر را چنین توصیف می کند:

² -deficiency or basic

³ -growth or metaneeds



إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ فِي تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ بِمَنْزِلَةِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا اشْتَكَى غَضُو مَنْهُ تَدَاعَى سَائِرُ الْجَسَدِ بِالْحُمَى وَ السَّهَرِ. مؤمنان در مقام مهربانی و عطوفت به یکدیگر، همانند یک پیکرند. وقتی عضوی از این گروه بیمار شود، دیگر اعضا در تب داری و شب بیداری با او همراهی می کنند (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۵۴).

سیری اجمالی بر زندگی امام جعفر صادق (ع)

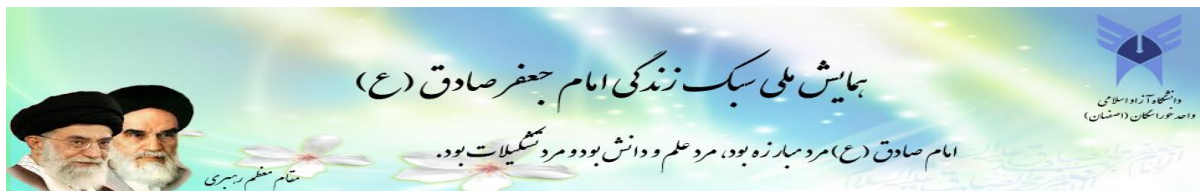
در هفده ربیع الاول سال ۸۳ هـ، طلوع خورشید امامت، بار دیگر مدینه را منور کرد. در آن روز، خورشیدی شکفت که بعدها پرتو انوار الهی اش دوازده هزار غنچه جویای محبت و حقیقت را شکوفا کرد، و حیات و طراوت تازه ای به جهان بخشید؛ چراکه با شکوفایی و عطرآفشانی آنها، مسیر بوستان حقیقت و رستگاری از بیابان خشک ضلالت و بدبختی جدا شد و سرگشتگان و عاشقان وجه الله به سرمنزل مقصود رسیدند.

صبح میلاد: صبح روز جمعه ۱۷ ربیع الاول سال ۸۳ هـ ق، مدینه، چشم انتظار طلوع خورشیدی دیگر از سلاله پاک رسول الله صلی الله علیه و آله بود، تا با تجلی جمال آن مولود مبارک وضوی نور گرفته و چهره خویش را بار دیگر منور سازد. سرانجام خانه امامت و ولایت با میلاد فرخنده ششمین امام معصوم علیه السلام، غرق شادی و سرور شد. ملائک مشتاقانه به استقبال و خوش آمدگویی از آن نوگل تازه شکفته به زمین آمدند و نرگس چشمان خود را میزبان قدوم مبارک آن عزیز بزرگوار کردند. ما نیز این میلاد بزرگ و فرخنده را به تمام دوستداران اهل بیت علیه السلام تبریک و تهنیت گفته و امیدواریم که با بهره گیری کافی از مکتب سازنده آن ستارگان درخشان در راستای پاک سازی جسم و جان خود از لوث پلیدی ها و گناهان گام برداریم.

شرافت و اصالت نسب امام صادق علیه السلام: شکوفایی ششمین گل بوستان امامت در هفدهم ربیع الاول سال ۸۳ هجری، مدینه را آکنده از عطر گل محمدی و غرق شادی و سرور کرد. نام آن حضرت جعفر و مشهورترین کنیه ایشان، ابوعبدالله و معروف ترین لقبشان صادق است. پدر بزرگوارشان، امام محمد باقر علیه السلام مانند اجداد گرامی خود از زهد و تقوایی راستین والهی بهره مند بود و مادر آن حضرت، «ام فروه» نوه محمد بن ابی بکر یکی از یاران نزدیک امام علی علیه السلام بود.

مولود مبارک: امام جعفر صادق علیه السلام هنگامی متولد شدند که پدر بزرگوار ایشان، امام محمد باقر علیه السلام برای کاری خارج از مدینه به سر می بردند. پس از تولد، نوزاد را در پارچه سفیدی پیچیدند و به نزد جد گران قدرشان امام سجاد علیه السلام آوردند. حضرت زین العابدین علیه السلام نگاهی توأم با نشاط و امید بر او افکندند و پس از قرائت آیاتی از قرآن و ذکر و دعا فرمودند: «امید است قدمش مبارک باشد».

القاب و کنیه های امام صادق علیه السلام: امام صادق علیه السلام دارای القاب بسیاری هستند که هر کدام به گونه ای، صفت و حقیقت و جودی ایشان را نمایان می کنند. معروف ترین لقب ایشان، صادق به معنی راستین و راستگو است، القاب دیگر ایشان عبارتند از: فاضل، قائم، کامل، منجی، صابر، کلمة الحق، لسان الحق و صادق، همچنین ایشان دارای سه کنیه ابوعبدالله، ابی اسماعیل و ابوموسی می باشند که ابوعبدالله از دیگر کنیه های ایشان معروف تر است.



نام گذاری امام ششم علیه السلام: در برخی نوشته ها انتخاب لقب امام ششم علیه السلام را به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت می دهند، چنان چه در کتاب علل الشرائع از قول پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «به هنگامی که پسر من، جعفر بن محمد به دنیا آمد او را صادق علیه السلام بخوانید برای این که در تداوم امامت، فرزند من به دنیا می آید که به همین اسم (جعفر) نامیده می شود [و] بدون حقی ادعای امامت می کند و او را جعفر کذاب می نامند». صادق، همچنین نام نهری است در بهشت، چرا که وجود برکت امام صادق علیه السلام نیز همچون آبخوار زلال نهر بهشت، حیات بخش و پرثمر است.

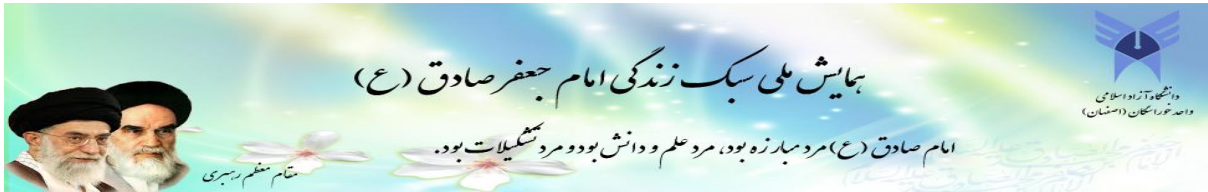
سبک زندگی اقتصادی با شاگردی در محضر امام صادق (ع)

امام صادق (ع) می فرماید: هواهای نفسانی خودت را دشمنی قلمداد کن که باید با او بجنگی، نفس خود را امانتی بدان که به زودی باید او را پس دهی. قطعاً تو، خود طبیب نفس خود هستی، نشانه های سلامت را می دانی، درد را به تو نشان داده اند درمان را هم به تو راهنمایی کرده اند. پس ببین که با نفس خود چگونه رفتار می کنی؟ باید مراقب خودمان باشیم، این نکته یکی از مهمترین آموزه های گهربار زندگانی سراسر نور امام صادق (ع) است، مراقبت از نفس و رفتاری صحیح با آن می تواند سلامت دنیا و آخرت ما را همراه داشته باشد، این سلامت می تواند در حوزه های گوناگونی مورد توجه قرار گیرد، امام صادق (ع) در کلامی تامل برانگیز فقر، گرسنگی و برهنگی مردمان را بر اثر گناه (ستم و زراندوزی) توانگران دانسته اند، با توجه به این نکته مهم پس باید قدری بیشتر در امر اقتصاد و رفتارهای اقتصادی اندیشه کرد. بدین منظور به بررسی نکاتی چند پیرامون اصلاح سبک زندگی اقتصادی با کلام ششمین امام ششم شیعیان خواهیم پرداخت:

اول) تجارت کنید: از امام صادق (ع) کلمات ارزشمندی راجع به آثار مادی و معنوی تجارت ذکر شده است و حتی ایشان در حدیثی ترک تجارت را موجب زوال عقل دانسته اند، در سیره آن حضرت نیز داستانهای بسیاری راجع به نکته های ایشان در اقتصاد و تجارت آمده است، برای نمونه مردی از شغل خود و موفق نبودن در تجارت، شکایت می کرد. امام ششم شیعیان به او فرمود: چند کالا را در نظر بگیر و بخر، سپس آن را بفروش! در هر کدام که سود بردی، خرید و فروش همان را ادامه بده. این دست داستانها در زندگی ایشان کم نیست و با مروری بر آنها می توان با اهمیت تجارت در نگاه امام (ع) آشنا شد.

دوم) حرفه و صنعت بیاموزید: امام صادق (ع) ضمن توجه به ابعاد کار اقتصادی، حضور موفق در بازار را نیازمند آگاهی از یک حرفه و صنعت می دانند و می فرمایند: خداوند، اسباب رزق و روزی انسان ها را در انواع شغل ها و صنعت ها قرار داده و این شیوه، برای دوام و بقای انسان، سازگارتر و برای تدبیر او، درست تر است.

سوم) متخصص باشید: امام تنها داشتن آگاهی از یک حرفه و صنعت را کافی ندانسته و با کلامی سرشار از حکمت فرد نامتخصص را برابر خائن می دانند و می فرمایند: از نظر من تفاوتی نمی کند که به خائن اعتماد کنم یا به ضایع کننده (نامتخصص).



چهارم) امانت دار باشید: امام صادق (ع) یکی از نکات جلب مشتری را امانت داری معرفی می نمایند و می فرمایند: هر صنعت گری برای جلب مشتری و درآمد، ناگزیر از داشتن سه ویژگی است: در کارش مهارت و تخصص داشته باشد؛ در آن امانت دار باشد و رضایت و خشنودی کسی را که به او سفارش کار داده، به دست آورد.

پنجم) اولویت بندی کنید: امام ششم شیعیان ضمن توجه به اولویت بندی کارها و تفکیک آنها به اقدامات ضروری و فوری و کارهای معمولی و غیر ضروری می فرمایند: هر کس به غیر مهم بپردازد، اهم را تباه می سازد.

ششم) رباخواری ممنوع! حضرت ضمن توجه به پیامدهای خطرناک شیوع ربا در جامعه همچون رکود اقتصادی که خود اثرات غیر قابل جبرانی برای جامعه در پی خواهد داشت می فرمایند: اگر ربا حلال بود، مردم فعالیت های تجاری و تأمین نیازمندی های خود را رها می کردند. پس خداوند، ربا را حرام کرد تا مردم از حرام خواری دست بردارند و به تجارت و خرید و فروش روی آورند.

هفتم) مرغوب بفروشید: امام صادق (ع) ضمن توجه به راهکارهای رشد اقتصادی و شیوه های جذب مشتری دایمی و نیز شیوه هایی در کسب برکت در گفت و گویی با فردی گندم فروش به او فرمودند: جنس خوب و مرغوب بخر و جنس خوب و مرغوب بفروش، که چون جنس خوب و مرغوب فروختی، مردم می گویند: خدا به تو و به آن که این جنس مرغوب را به تو فروخت، برکت دهد.

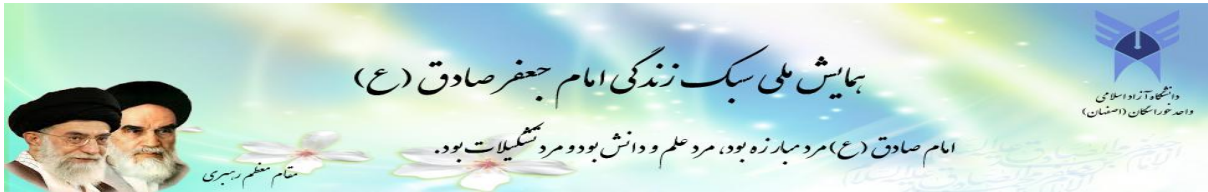
هشتم) کار کاذب ممنوع! امام به تمامی ابعاد کار اقتصادی توجه داشته اند و همواره دیگران را از ورود به هر گونه کار کاذب منع کرده اند، شخصی به نام حلبی می گوید: از امام صادق (ع) درباره مردی پرسیدم که خانه ای اجاره می کند، آن گاه آن را با قیمتی بالاتر به کس دیگری اجاره می دهد؟ حضرت فرمود: نمی تواند این کار را انجام دهد، مگر آنکه در خانه، کارهای جدیدی انجام دهد و دستی به سر و صورت خانه بکشد.

نهم) بریز و بپاش نکنید: حضرت امام صادق (ع) اسراف و هدر دادن ثروت را نیز چون موهبتی از جانب خداست و می توان با آن اقداماتی شایسته صورت داد، جایز نمی دانند، ایشان به ابن جندب فرموده اند: ای پسر جندب! مالت را هدر مده و ضایع نکن.

باید برای نیل به سبک زندگی آسمانی از کلام و سیره ائمه معصومین (ع) بهره برد و با یاری ایشان در مسیر سلامت دنیا و آخرت گام برداشت. زندگانی ارزشمند امام جعفر صادق (ع) سرشار از آموزه هایی است که باید از آنها بهره ها گرفت و در کنار چهار هزار شاگرد حوزه علمیه جعفری و هزاران شاگرد در طول تاریخ، فرهنگ ناب شیعی را آموخت و در زندگانی کاربردی نمود.

رهنمودهای اقتصادی زندگی امام جعفر صادق (ع)

تجارت اسلامی



یکی از کارگزاران، سود سرشاری ناشی از هزار دینار اولیه امام صادق علیه السلام خدمت ایشان آورد. او هنگامی که با شگفتی امام روبه رو شد، گفت: چون کالا در مکان دیگر کمیاب بود، عهد بستیم گران بفروشیم. امام تنها همان سرمایه خویش - هزار دینار- را برداشت و در بقیه هیچ گونه تصرفی نکرد و فرمود: به چنین سودی نیاز ندارم. سپس ادامه داد: «شمشیر زدن در میدان جنگ، از به دست آوردن روزی حلال آسان تر است». امام صادق علیه السلام در آموزش مسایل فقهی تجارت تلاش بسیار داشت. این جمله معروف از ایشان است که: «الْفَقْهُ ثُمَّ الْمَتْجَرُ؛ نخست دانش دینی مربوط به کسب و کار را بیاموزید، آن گاه به تجارت بپردازید».

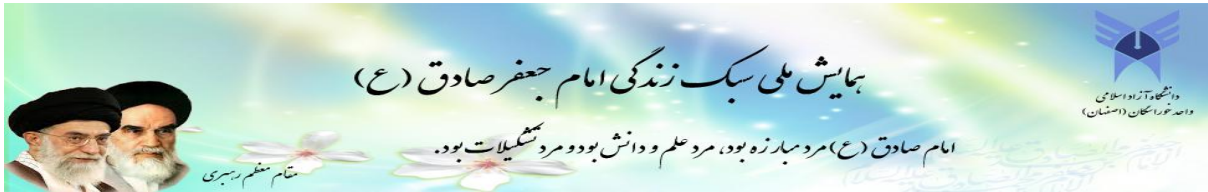
دین مهر: هدیه دادن، از جمله مسائلی است که جایگاه خاصی در کتاب های روایی و فقهی ما دارد. امام صادق علیه السلام با توجه به تفاوت انگیزه ها، هدیه را به سه صورت دسته بندی می کند: «الْهَدِيَّةُ عَلَى ثَلَاثَةٍ وَجُوهٍ: هَدِيَّةٌ مُكَافَاةٌ وَ هَدِيَّةٌ مُصَافِحَةٌ وَ هَدِيَّةٌ لِلَّهِ غَرْوَجَلٌ؛ هدیه مکافات، برای تلافی و پاسخ هدیه بیشتر از سوی گیرنده است. هدیه دیگر، همان رشوه است که اسلام، دهنده و گیرنده آن را در آتش دوزخ می داند و صورت سوم، هدیه برای خشنودی پروردگار است» (۲). امام صادق علیه السلام در روایتی دیگر می فرماید: «تَهَادَوْا تَحَابُّوا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَذْهَبُ بِالضَّعَائِنِ؛ با هدیه و ارمغان، محبت اشخاص را جلب کنید که هدیه، کدورت ها را برطرف می سازد».

اشراف به زبان های دیگر: روزی عده ای از ایرانیان نزد امام صادق علیه السلام آمدند و حضرت بدون بیان هیچ مقدمه ای فرمود: «هر کس مالی را از راه غیرحلال به دست آورد، خداوند مقدر فرموده آن اموال در هلاکت گاه ها صرف شود». وقتی آنان توضیح بیشتر خواستند، حضرت به فارسی فرمود: «از باد آید، به دم بشود». همچنین روزی با حضور آنان، امام صادق علیه السلام به عربی سخنی را بیان فرمود. اظهار کردند عربی بلند نیستند. پس حضرت به زبان فارسی فرمود: «هر که درم اندوزد، جزایش دوزخ باشد».

امام علیه السلام و اغتنام فرصت: قرآن کریم، مؤمنان را از لغو و بیهودگی، روی گردان می داند. امام صادق علیه السلام که خود پیشوای مؤمنان و نمونه عمل کنندگان به دستورات قرآنی است، در صرف اوقات خویش مراقب بود به هدر نرود. ایشان می کوشید از فرصت خود بهترین و بیشترین بهره گیری را داشته باشد. فردی در محضر آن حضرت به بیهوده گویی پرداخت و سخنانی می گفت که حاصل و نتیجه آن، وقت گذرانی بود. امام صادق علیه السلام فرمود: «مرا به حال خود واگذار که در اوقات خود بخیم».

پاکیزگی دارایی: پرداخت خمس اموال، یکی از فروع دین اسلام است که باید نصف آن را به سید فقیر و نصف دیگر را به امام معصوم یا نماینده ایشان داد. یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید: مقداری مال نزد آن حضرت بردم و با خود می اندیشیدم که چه مقدار از آن مال را به حضرت بدهم. در آن حال حضرت رو به من کرد و فرمود: «آیا می پندارید ما به آنچه در دست شماست نیازمندیم. ما این اموال را می گیریم تا شما را پاک گردانیم».

کلید روزی: یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید: شنیدم آن حضرت به فرزندش محمد فرمود: پسر جان! از خرجی چقدر زیاد آمده است. گفت: چهل دینار. امام صادق علیه السلام امر کرد آن مبلغ را صدقه دهد. محمد عرض کرد: در این صورت دیگر چیزی نخواهد ماند. امام فرمود: آن را صدقه بده که به یقین خداوند عوض آن را می دهد. سپس فرمود: «فرزندم!



آیا نمی دانی هر چیزی کلیدی دارد و کلید روزی، صدقه است. اکنون چهل دینار را به عنوان صدقه بده». محمد امام را انجام داد. بیش از ده روز نگذشت که مبلغ چهار هزار دینار برای حضرت رسید. در این هنگام به فرزندش فرمود: «پسر جان! دیدی چهل دینار برای خدا دادیم و او چهار هزار دینار عوض آن را به ما داد».

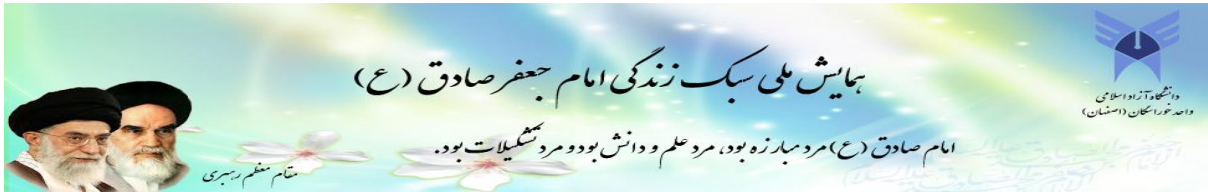
سفارش به تاجران: مردی خدمت امام صادق علیه السلام رفت و گفت: یا بن رسول الله! می خواهم مشغول تجارت شوم و عهد کرده ام تجارت نکنم تا اینکه برای مشورت در امور و طلب دعا به محضر شما بیایم. حضرت درباره او دعا کرد و سپس فرمود: «بر تو باد راستگویی و پرهیز از دروغ. نقص و عیب جنس را مخفی مدار و به مردم زیان نرسان. آنچه برای خود می خواهی برای دیگران نیز بخواه، حق بده و حق بگیر. از چیزی [مانند کمبود درآمد] ترس. به درستی که تاجر راستگو، روز قیامت با پیامبران و نیکوکاران خواهد بود. از قسم خوردن پرهیز؛ زیرا قسم دروغ صاحبش را به جهنم می برد. تاجری که حق را بدهد و حق بگیرد، فاجر و ستمکار نخواهد بود. اگر تصمیم به سفر تجارت یا کار مهمی داری، بسیار دعا کن و از خدا خیر بخواه».

برآوردن نیاز مؤمنان: یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید: در مسجد الحرام، یکی از دوستانم از من دو دینار وام تقاضا کرد. به او وعده دادم که پس از انجام طواف اقدام کنم. هنوز طوافم به پایان نرسیده بود که امام صادق علیه السلام وارد طواف شد و دست برشانه ام نهاد و هر دو به طواف پرداختیم. طواف من به پایان رسید، ولی به دلیل همراهی با امام، باز هم به طواف ادامه دادم. آن مرد که در کناری نشسته بود و امام صادق علیه السلام را نمی شناخت، به خیال اینکه من در کار او مسامحه می کنم هر بار که از مقابلش عبور می کردم با دست اشاره و مطلب خود را یادآوری می کرد. حضرت از من پرسید: چرا این مرد به تو اشاره می کند؟ ماجرا را گفتم. در این حال امام بدون لحظه ای تأمل دست از شانه ام برداشت و فرمود: «برو حاجت او را برآور». روز دیگر که به مجلس امام رفتم، آن حضرت فرمود: «تلاش برای برآوردن نیاز مؤمن، نزد من محبوب تر از آن است که هزار نفر را در راه خدا بسیج کنم».

کار و تلاش: روزی یکی از دوستان امام صادق علیه السلام به حضور حضرت شرفیاب شد و عرض کرد که درباره من دعایی بفرمایید، بسیار تنگ دست و فقیر شده ام. امام صادق علیه السلام فرمود: هرگز دعا نمی کنم. مرد گفت: یا بن رسول الله! چرا دعا نمی کنید؟ حضرت فرمود: «چون خداوند امر کرده است که برای به دست آوردن روزی باید جست و جو و تلاش کرد تا آن را به دست آورد؛ ولی تو می خواهی در خانه خود بنشین و با دعا روزی ات برسد. برو کار کن تا خداوند روزی ات دهد».

قناعت: امام صادق علیه السلام مصداق روشن کسانی بودند که کم مصرف می کنند و زیادبهره می دهند و هم مصداق آیه ۶۷ سوره فرقان، در وصف بندگان راستین خدا: «بندگان خالص خدا کسانی هستند که در هزینه خود نه اسراف در پیش می گیرند و نه سخت گیری، بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند». ایشان درباره میانه روی اقتصادی می فرمودند: «من ضامنم که اگر کسی میانه رو باشد، فقیر نگردد».

ساده زیستی: امام صادق علیه السلام در همه شئون زندگی، سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را الگوی رفتار خود قرار داده بودند. در بسیاری از وقت ها، با کارگران و غلامان خود بر سر یک سفره می نشستند و بدون هیچ غروری با آنان هم غذا



می شدند. در خوردن غذا آرام و صبور بودند و هرگز با حرص و ولع غذا نمی خوردند و مانند برخی از متکبران، غذای مخصوص و متفاوت از دیگران نداشتند.

رهنمودهای اجتماعی زندگی از دیدگاه امام جعفر صادق (ع)

حل اختلاف: مردی با یکی از بستگان خود بر سر میراثی اختلاف داشت و کارشان به جدال کشید. مُفَضَّل از یاران امام صادق (ع) که از آنجا می گذشت، متوجه درگیری شد و آن دو را به خانه خود برد و با دادن چهارصد درهم، میان آن دو مصالحه برقرار کرد و درهم ها را خودش پرداخت و اختلاف حل شد. آن گاه به آنان گفت: بدانید پولی که برای حل اختلافتان پرداختم، از آن خودم نبود و از اموال امام صادق (ع) بود. آن حضرت به من فرمان داده است هر جا دو نفر از شیعیان اختلاف داشتند، با مال آن بزرگوار بین آنها صلح برقرار کنم.

رفتار با فقیر شاکر: یکی از یاران امام صادق (ع) گوید: درمنا نزد حضرت مشغول خوردن انگور بودیم که فقری آمد و از امام درخواست کمک کرد. امام خوشه ای انگور به او داد، ولی او نپذیرفت و گفت: اگر پول هست، بدهید. امام فرمود: خدا برایت برساند. فقیر رفت و برگشت همان خوشه انگور را خواست، ولی امام فرمود: خدا برایت برساند و چیزی به او نداد. فقیر دیگری آمد. امام سه حبه انگور به او داد. او گرفت و گفت: سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است و مرا روزی داد. امام هر دو دست را پر از انگور کرد و به او داد. فقیر گرفت و گفت: سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است. امام فرمود: بایست و از غلام خود پرسید: چه قدر پول همراه داری؟ گویا بیست درهم داشت. آنها را نیز به فقیر داد. او گفت: سپاس خدای را. خداوندا! این نعمت از توست. تو یکتایی و شریکی برای تو نیست. امام فرمود: بمان و پیراهنی به او داد و فرمود: بپوش. سائل پیراهن را پوشید و گفت: سپاس خدای را که به من لباس داد و مرا پوشانید و به امام رو کرد و گفت: خدا به تو جزای خیر دهد. به نظر می آمد اگر این بار هم امام را دعا نمی کرد و فقط به شکر و سپاس خدا می پرداخت، حضرت باز به او عطا می کرد.

تسلیم در برابر خدا: یکی از یاران امام صادق (ع) می گوید: برای عیادت از فرزند بیمار امام، به منزل ایشان رفته بودم. حضرت را جلو منزل دیدار کردم که افسرده و محزون بود. حال کودک را جویا شدم، فرمود: «به خدا سوگند، او رفتنی است.» آن گاه داخل منزل شد و پس از مدتی بیرون آمد، درحالی که اندوهش تسکین یافته بود. من امیدوار و خوشحال شدم و گمان کردم بیمار، بهبود یافته است. بار دیگر از حال کودک پرسیدم. فرمود: از دنیا رفت. با شگفتی گفتم: فدایت شوم هنگامی که زنده بود، غمگین و افسرده بودید و اینک که فوت کرده است، اندوهگین نیستید؟ فرمود: «ما خاندانی هستیم که پیش از مصیبت اظهار نگرانی می کنیم، ولی چون قضای الهی وقوع یابد، راضی به رضای خدا و تسلیم امر او هستیم.»

کوشش برای معیشت: هرگاه امام جعفر صادق (ع) در باغستان و مزرعه، بیل در دست می گرفت و مشغول کشاورزی و کارگری می شد، دوستان ایشان می گفتند: یابن رسول الله! چرا در این موقعیت، خود را به زحمت انداخته اید؟ اجازه دهید ما کار کنیم و شما استراحت کنید. حضرت در پاسخ می فرمود: «مرا به حال خود واگذارید. من علاقه مندم که خداوند مرا در حالتی مشاهده کند که با دست خود زحمت می کشم و کار می کنم و جسم خود را برای به دست آوردن روزی حلال به زحمت و مشقت انداخته ام.»



امام صادق (علیه السلام): عبدالله بن ابی یغفور که همیشه بیمار بود گوید: از دردهائی که به من به علت بیماری ام می رسید به امام (علیه السلام) شکایت کردم حضرت به من فرمود: اگر مومن پاداشی را که برای مصیبت ها خداوند برایش در نظر گرفته بداند هر آینه آرزو میکند که او را با قیچی تکه تکه کنند(اصول کافی جلد ۳ صفحه ۳۵۴).

امام صادق (علیه السلام): برای بنده مومن در آخرت مقامی نزد خدای عزوجل مهیا گشته است که به آن نمی رسد جز به وسیله یکی از این دو امر یا رفتن مالش یا رسیدن بلائی به تنش(اصول کافی جلد ۳ صفحه ۳۵۶).

امام صادق (علیه السلام): هر کس به پدر و مادر خود به دیده غضب آلود بنگرد در صورتی که آن دو به او ستمی نیز کرده باشند خداوند نماز و عبادات و اعمال خیرش را نپذیرد(اصول کافی جلد ۴ صفحه ۵۰).

امام صادق (علیه السلام): اگر خداوند چیزی را در آزرده ساختن پدر و مادر کمتر از اف میدانست آن را در قرآن نهی میکرد و این کلمه کمترین مراتب آزرده است و از جمله آزرده آن است که کسی به پدر و مادر خود خیره خیره نگاه کند(اصول کافی جلد ۴ صفحه ۵۰).

امام صادق (علیه السلام): چون روز قیامت شود پرده ای از پرده های بهشت را کنار زنند پس هر جانداری آن را از مسافت پانصد سال استشمام کند جز یکدسته و آنها عاق والدین خودشان هستند(اصول کافی جلد ۴ صفحه ۴۹).

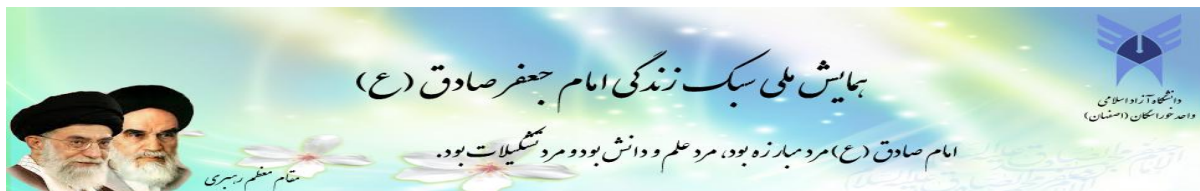
امام صادق (علیه السلام): برای دولتمردان و حاکمان مملکتی کوتاهی در سه کار جایز نیست: ۱. نگهداری و حفاظت از مرزهای کشور در مقابل تهدیدات دشمن ۲. برگزیدن مومنان صالح برای تصدی پستهای حکومتی ۳. در رسیدگی ظلمی که به مردم ستم دیده و فاقد قدرت از جانب ظالمان پیر نفوذ قدرت وارد شده(تحف العقول صفحه ۳۳۳).

امام صادق (علیه السلام): سه چیز است که خدا به هیچ کس اجازه مخالفت در آن را نداده است. ۱. نیکی در حق پدر و مادر چه نیکوکار باشد یا بدکار ۲. وفای عهد برای نیکوکار و بدکار ۳. امانت را پس دادن به نیکوکار یا بدکار(خصال الصدوق صفحه ۱۴۵).

امام صادق (علیه السلام): ابوریع شامی گوید از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم کمترین چیزی که بنده را از ایمان بیرون میبرد چیست؟ فرمود: آنکه به عقیده ای بر خلاف حق که گفتار خدا و سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و کلام ائمه (علیه السلام) است قائل شوید و به آن عمل کنید(عین الحیوه صفحه ۲۰۴). امام صادق (علیه السلام): همانا خداوند از میان بندگانش بنده ای را که هر ساعت به رنگی در آید و تغییر فکر و عقیده بدهد دشمن میدارد پس هیچ گاه از حق و اهل آن جدا نشوید که هر کس به باطل و اهل آن میل کند دنیا از دستش برود و با خواری هر چه تمام تر وارد آخرت شود(امالی مفید صفحه ۱۵۱).

امام صادق (علیه السلام): هرگاه یکی از شما اراده کند و بخواهد که خدا چیزی به او عنایت نماید باید که از تمامی مردمان نا امید و مایوس شود و امیدی جز به خداوند عزوجل نداشته باشد پس چون خداوند چنین حالتی را از دل بنده اش بداند آن بنده چیزی از خدا نخواهد مگر اینکه خداوند به او ببخشد.

امام صادق (علیه السلام): از جمله اندرزه های لقمان به پسرش این بود که پسر جانم در روزها و شب ها و ساعت های عمر خود بهره ای برای طلب علم الهی قرار بده که تو هیچ گونه زیان و خسارتی برای عمرت همانند ترک کردن یادگیری علم دین نمی



یابی (امالی مفید صفحه ۳۳۲) امام صادق (علیه السلام): هر کدام از شیعیان ما که دین شناس نباشد خیری در او نیست زیرا وقتی کسی آگاهی مذهبی نداشته باشد مخالفان او را گمراه خواهند نمود بدون اینکه خودش توجه داشته باشد (بحار الانوار جلد ۱ صفحه ۲۰۶).

امام صادق (علیه السلام): هر که می خواهد بداند که نمازش آیا پذیرفته درگاه الهی شده یا نه ببیند آیا نمازش او را از گناه بازداشته است یا نه پس به هر مقدار که نمازش مانع گناه گشته همانقدر نمازش مقبول درگاه الهی قرار گرفته است (بحار الانوار جلد ۸۲ صفحه ۱۹۸).

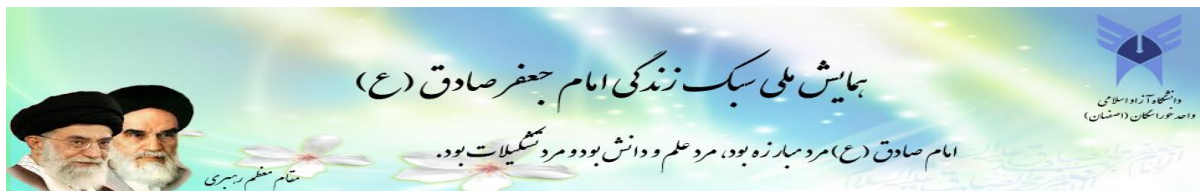
امام صادق (علیه السلام): ای شیعیان ما! باید سالمندان شما و خردمندانان به نادانها و ریاست طلبان توجه کنند و آنها را به هر نحوی که می توانند از کارهای خلاف دور سازند و اگر چنین نکنند لعنت من به تمام شما خواهد رسید (اصول کافی جلد ۱ صفحه ۲۳۲).

امام صادق (علیه السلام): گاهی مردی را می بینی که در سخنوری یک لام یا واو خطا نمی کند همانا دلش از شب تاریک و ظلمانی تاریک تر است و گاهی مردی را می بینی که نمی تواند آنچه را که می خواهد به زبان آورد اما دلش مانند خورشید می درخشد (اصول کافی جلد ۴ صفحه ۱۵۲).

امام صادق (علیه السلام): گفتار و سخنان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ما ائمه (علیه السلام) را به نوجوانان خود بیاموزید و در انجام این وظیفه تربیتی تسریع کنید پیش از آنکه مخالفین گمراه بر شما در این امر پیشی گیرند و سخنان نادرست خوش را در ضمیر پاک کودکان و نوجوانان شما جای دهند و گمراهشان سازند (فروع کافی جلد ۴ صفحه ۴۷).
 امام صادق (علیه السلام): سزاوار نیست مومن در مجلسی بنشیند که در آن معصیت خدا میشود و او قدرت بر هم زدن آن مجلس را ندارد (اصول کافی جلد ۲ صفحه ۲۷۴). امام صادق (علیه السلام): حدیثی که در مسائل حلال و حرام از انسان صادق و مورد اعتماد یاد بگیری از دنیا و آنچه در آنست از طلا و نقره برایت بهتر است (بحار الانوار جلد ۱ صفحه ۲۱۴).

امام صادق (علیه السلام): سه طایفه هستند که منافق می باشند اگرچه نماز به یاد دارند و روزه بگیرند و به اعتقاد خود مسلمان باشند: ۱. کسانی که در امانت خیانت میکنند. ۲. کسانی که در سخن گفتن دروغ می گویند. ۳. اشخاصی که خلف وعده میکنند و به عهد و پیمان خود وفا نمی کنند (تفسیر جامع جلد ۳ صفحه ۶۵).

امام صادق (علیه السلام): عالمی نزد عابدی رفت و پرسید که نماز تو چگونه است عابد گفت چه کسی میتواند نماز مرا درک کند و حال آنکه من سالهاست که نماز میخوانم عالم پرسید گریه تو به درگاه خدا چگونه است عابد گفت آنقدر گریه میکنم که از اشک از رویم جاری میشود و لباسم را تر میکند پس عالم توجه ای به او کرد و گفت: اگر تا به حال خنده کرده بودی الان ترسان بودی بهتر بود از گریه ای که باعث اعتماد و عجب تو به عبادتت گشته زیرا عبادت کسی که بر طاعت خود اعتماد داشته باشد بالا نمیرود (عین الحیوه صفحه ۱۸۳).



پای بندی امام صادق (ع) به صله رحم

صفوان جمال می گوید: میان امام صادق علیه السلام و عبدالله بن حسن گفتگویی صورت گرفت که منجر به بلند شدن صدای آنها شد و پس از مدتی از هم جدا شدند و رفتند. صبحگاهان امام صادق علیه السلام را در کنار منزل عبدالله بن حسن دیدم که به خدمتکار عبدالله می گفت صدایش کند. عبدالله بن حسن از منزل خارج شد و به امام گفت: «چه چیز باعث شده که صبح زود به اینجا آمده اید؟» امام فرمود: «آیه ای از قرآن را تلاوت کردم که مضطربم ساخته است.» عبدالله پرسید: «کدام آیه؟» امام صادق علیه السلام فرمود: «الذین یصلون ما امرالله به ان یوصل و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب» _ سوره رعد آیه ۲۱/ _ (اولوا الالباب کسانی هستند که پیوند را با خویشاوندان خود که خداوند فرمان برقرار ساختن آن را داده است، برقرار می سازند و از خداوند خویش می ترسند و از حساب بد قیامت بیمناک اند.) عبدالله بن حسن به امام عرض کرد: «راست فرمودی، من هرگز این آیه را در کتاب خدا نخوانده بودم. پس از آن همدیگر را آغوش گرفتند و گریستند.»

امام صادق (ع) و میانه روی در پوشش

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید: روزی به خدمت امام رسیدم و توجهم به وصله ای بر یقه لباس او جلب شد. امام فرمود: «به چه چیز نگاه می کنی؟» عرض کردم: «به وصله ای که در لباس شماست.» فرمود: «این نوشته را که جلوی من است بردار و بخوان.» نوشته را برداشتم و خواندم: «هر کس که حیا ندارد، ایمان ندارد و هر کس که در امور معیشتی برنامه ریزی نداشته باشد، مالی برایش نمی ماند و هر کس کهنه ای نداشته باشد، نو و تازه نخواهد داشت.»

سخنانی از امام صادق (ع)

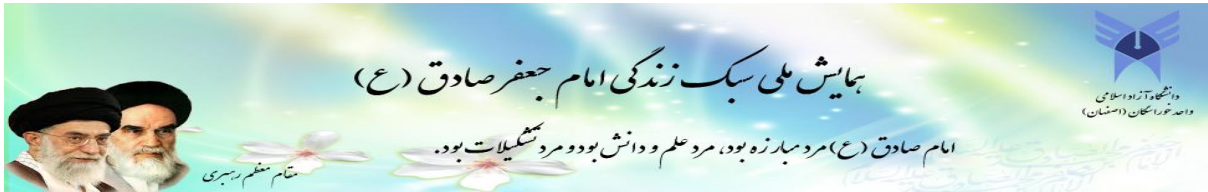
- «خانه ای که در آن غنا باشد، از فاجعه ایمن نمی باشد و دعا در این خانه مستجاب نمی شود و ملائکه به این خانه وارد نمی گردند.»

- «فحش دادن ظلم است و ظالم در آتش جهنم است»

- «در عیب رفیقت تعجیل نکن شاید خدا او را بیمارزد و بر عیبهای خود ایمن نباش شاید بخاطر آن عذاب شوی!»
- «امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه «پیامبران را به ناحق می کشند» فرمود: بخدا سوگند! پیامبران را با شمشیر نکشتند، بلکه اسرار آنان را فاش کردند و آنها کشته شدند.»

- «اصل حُسن ظن از حُسن ایمان و سالم بودن دل است که هر که رامی بیند پاک و خوب می پندارد و احتمال حیاء و امانت و صیانت و راستی به او می دهد.»

- «خوردن و آشامیدن و پوشیدن و ازدواج و سوار مرکب شدن اگر بامیانه روی باشد، حلال و الا حرام است چون خدادر سوره انعام آیه ۱۴۱ فرموده است: اسراف نکنید که خدا مسرفین را دوست ندارد.» هر ساختمانی که بیش از مقدار نیاز باشد، در آخرت وبال گردن صاحبش می شود»



- «عده‌ای از شیعیان نزد امام صادق (علیه السلام) بودند که امام سه بار سوگند خورد: بخدای کعبه سوگند! و فرمود: اگر بین موسی (علیه السلام) و خضر (علیه السلام) بودم به آنها می‌گفتم که من از آنها عالم‌ترم. و به آنها مطالبی را که نمی‌دانستند، می‌گفتم. زیرا به موسی (علیه السلام) و خضر (علیه السلام)، علم گذشته داده شد. ولی علم آینده تا قیامت را نمی‌دانستند. ولی ما این علم را از رسول خدا (صلی الله علیه و اله) به ارث برده‌ایم.»

- «اسحاق بن عمار از امام صادق (علیه السلام) راجع به مردی که لباسهای مختلفی دارد و چندتای از آنان را برای پوشاندن بدن خود و چندتا برای زینت کردن و شیک شدن قرار داده آیا اسراف است؟ فرمود: خیر اسراف نیست! زیرا خدا در قرآن فرموده است: هر که زندگیش وسعت دارد باندازه توانائیش خرج کند «طلاق ۷»»

- «درخانه‌ای که طفلی وجود دارد، با همسر خود مقاربت نکنید، که آن طفل زناکار می‌شود و یا فرزندیکه بدنیا می‌آید، زناکار می‌شود.»
 - «دزدها سه دسته‌اند. اول کسیکه زکات نمی‌دهد. دوم کسیکه مهرزنش را نمی‌پردازد. سوم کسیکه قرض کرده ولی قرضش را نمی‌پردازد.»
 - «اگر شخصی چشمش به زنی نامحرم بیافتد او چشم بردارد و به آسمان نظر کند و یا چشم خود را ببندد، هنوز چشم برهم نزده که خداوند حورالعینی به او تزویج کند.»

- «شخصی به امام صادق (علیه السلام) گفت: من دوست دارم با زنی ازدواج کنم. ولی پدرم مایل است، با زنی دیگر ازدواج کنم. حضرت فرمود: با آنکه خود دوست می‌داری ازدواج نما و آنکه پدرت می‌خواهد را رها نما!»

- «چهار چیز از چهار چیز سیر نمی‌شوند: زمین از باران، چشم از نگاه، زن از مرد و عالم از علم!» (به نقل از مغنیه، ۱۴۰۰، ص ۹۸).

- «اسحاق بن عمار از امام ششم (علیه السلام) پرسید: حق زن بر شوهر چیست؟ امام فرمود: مرد باید شکم همسرش را سیر کند. بدنش را ببوشاند. اگر نادانی کرد از او بگذرد. ابراهیم خلیل از تند خوئی ساره به خداوند شکایت کرد! خدا به او وحی کرد: زن همانند استخوان دنده است! اگر بخواهی راستش بکنی، می‌شکند و اگر با او همچنان مدارا کنی، از او بهره‌مند می‌شوی!»

وصایای حضرت امام جعفر صادق (ع) قبل شهادت

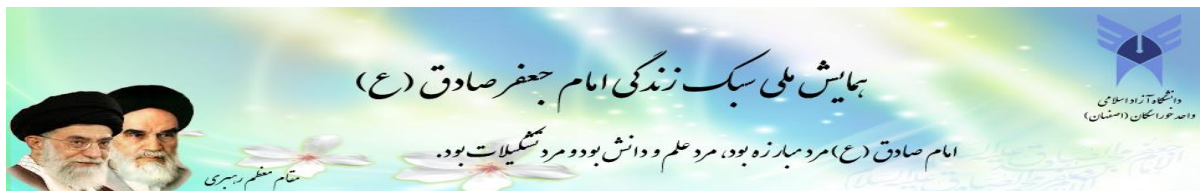
و در لحظه مرگ وصایای چندی می‌نماید که برخی در امر امامت برخی در زمینه مسائل خانوادگی و بخشی در مورد عامه است.

- به فرزندان خود گفت: **فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ**: بکوشید که جز مسلمان نمیرید.

- به کسان و خویشان فرمود: **إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مَسْتَحْفًا بِالصَّلَاةِ**. شفاعت ما به کسی که نماز را کوچک بشمارد نمی‌رسد

- به خانواده خود وصیت کرد که پس از مرگش تا چند سال در موسم حج در منی برای او مراسم عزاداری برپا کنند.

- دستور داد برای خویشان و کسان هدیه ای بفرستند، حتی هفتاد دینار برای حسن افسس از خویشان او. و حسن افسس همان کسی است که با خنجر به امام حمله کرده بود و می‌فرمود می‌خواهد آیه قرآن را در مورد صله رحم اجرا کند.



- درباره امام پس از خود، امام کاظم (علیه السلام) را برای چندمین بار منصوب کرد که او در آن هنگام براساس سندی بیست سال داشت.

- بخشی از سفارشهای او درباره غسل و کفن و قبر خود بود که احکام اسلامی در این زمینه وجود دارد.

- وبالاخره بخشی از وصیت راجع به مردم بود که روؤس آن دعوت به وقار و آرامش، حفظ زبان، پرهیز از دروغ و تهمت و دشمنی، دوری از تجاوز کار، پرهیز از حسادت و ترک معاصی و... بود (محمدی اشتهدادی، ۱۳۷۴، ص ۱۴۴).

نتیجه گیری

شیوه عملی امام صادق علیه السلام، احیای اندیشه های شیعی و منسجم کردن خطوط مکتب و تنظیم خط فکری تشیع بود. به همین دلیل، پیش از آنکه این مکتب عنوان دیگر یابد، «مذهب جعفری» نامیده شد. او حقایقی را در جهان آشکار ساخت که بالاتر از مرز زمان آن روز بود. پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی، مرهون اقدام های امام صادق علیه السلام است (مدرسی، ۱۳۷۰، ص ۵۶). باور مقدس حضرت صادق علیه السلام چنین بود که باید نیکی پیش از درخواست باشد. پس از درخواست، این بهای آبروی نیازمند است که پرداخته می شود. پیشوای صادق، جدا از آنکه خود شخصاً به بخشش های شبانه و پنهانی می پرداخت، افرادی را هم واسطه قرار می داد تا بدون اینکه نامی از امام ببرند، حامل احسان و کرم فراوانش باشند. در مواردی، بهره مندان ناگاه، پس از دریافت کمک به جای سپاس، رفتار گستاخانه ای به این منبع لطف و سخا داشتند. مکتب امام صادق علیه السلام سرشار از درس های تلاشگری برای کسب روزی حلال است. کار و کوشش چنان برانزنده اجتماع است که امام ششم همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «الکاذب علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله؛ کوشنده و تلاشگر برای خانواده و افراد تحت سرپرستی خود، مانند کسی است که در راه خدا سرگرم جهاد است». در حالات امام صادق علیه السلام نوشته اند: با پیراهنی از کرباس در مزرعه تلاش داشت و عرق از سر و روی او می چکید. حرارت آفتاب و رنج کار را در وسط روزهای گرم تحمل می کرد تا آب و نان حلالی را شخصاً به دست آورد. او از مردم می خواست با فعالیت خویش، در آبادانی دنیا بکوشند و زمین خدا را پر بار کنند. امامان معصوم علیهم السلام بر اثر ضعف شناخت مردم و پشتکار نداشتن آنان، نتوانستند حکومت اسلامی تشکیل دهند و فرصت طلبان از ناآگاهی مردم سوء استفاده کردند و بر مسند قدرت تکیه زدند (منصوری، ۱۴۰۴، ص ۱۰۲). از این رو، دوستان اهل بیت رسالت علیهم السلام ناگزیر بودند روابط سری و پنهانی با امامان خود برقرار سازند و به این صورت اسرار آنان را پاس دارند. گاهی ممکن بود بر اثر ناشی گری یک مسلمان، اخبار داخلی شیعه افشا شود و سبب پیدایش و گرفتاری برای آنان گردد. به همین دلیل امامان سفارش اکیدی برای حفظ اسرار داشتند تا آنجا که رکن اصلی و اساسی دین در عصر حاکمیت امویان و عباسیان، تقیه و نگهداری اسرار به شمار می آمد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «هر آنکه تقیه نکند، در دین داری ضعیف و ناتوان است».

منابع

قرآن کریم



اصول کافی جلد ۱ صفحه ۲۳۲

اصول کافی جلد ۱ صفحه ۲۳۲..

اصول کافی جلد ۱ صفحه ۷۴

اصول کافی جلد ۱ صفحه ۷۴.

اصول کافی جلد ۳ صفحه ۳۵۴

اصول کافی جلد ۳ صفحه ۳۵۴

اصول کافی جلد ۳ صفحه ۳۵۴.

اصول کافی جلد ۳ صفحه ۳۵۶.

اصول کافی جلد ۴ صفحه ۱۵۲

اصول کافی جلد ۴ صفحه ۴۸۱

اصول کافی جلد ۴ صفحه ۴۹

اصول کافی جلد ۴ صفحه ۵۰

اصول کافی جلد ۲ صفحه ۲۷۴

اصول کافی جلد ۲ صفحه ۲۷۴

اصول کافی، جلد ۱، ص ۷۶

امالی مفید صفحه ۱۵۱.

امالی مفید صفحه ۳۳۲

بحار الانوار جلد ۱ صفحه ۲۰۶.

بحار الانوار جلد ۱ صفحه ۲۰۶



بحار الانوار جلد ۱ صفحه ۲۱۴.

بحار الانوار جلد ۸۲ صفحه ۱۹۸.

بحار الانوار جلد ۸۲ صفحه ۱۹۸.

تحف العقول صفحه ۳۳۳.

تحف العقول صفحه ۳۹۰. اصول کافی جلد ۴ صفحه ۴۸۱.

تفسیر جامع جلد ۳ صفحه ۶۵.

خصال الصدوق صفحه ۱۴۵

خصال الصدوق صفحه ۱۴۵.

شعبانی، حسن. (۱۳۸۶). **مهاریهای آموزشی و پرورشی**، تهران: انتشارات سمت.

عین الحیوه صفحه ۱۸۳.

عین الحیوه صفحه ۲۰۴.

عین الحیوه صفحه ۲۰۴.

فروع کافی جلد ۴ صفحه ۴۷.

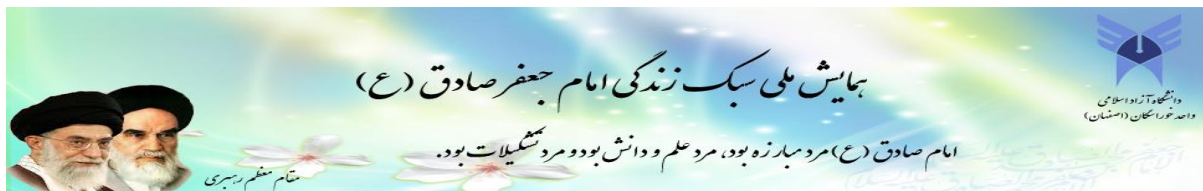
فروع کافی جلد ۴ صفحه ۴۷.

محمدی اشتهااردی، محمد. (۱۳۷۴). **نگاهی بر زندگی امام صادق (ع)**، تهران، نشر مطهر، ۱۳۷۴، رقی، ۱۴۴ ص.

-مدرسی، محمد تقی. (۱۳۷۰). **زندگی و سیمای امام جعفر صادق (ع)**، ترجمه: محمدصادق شریعت، تهران، مؤسسه انصارالحسین ۱۳۷۰، وزیری، ۷۰ ص.

مرکز مطالعات اسلامی استراسبورک (۱۴۱۰ق). **مغز متفکر جهان شیعه**، امام جعفر صادق (ع)، ترجمه و اقتباس: ذبیح الله منصوری.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۰)، **شرح منظومه**، جلد اول، تهران: نشر حکمت.



مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). تعلیم و تربیت در اسلام، قم: انتشارات صدرا.

مغنیه، محمدجواد. (م ۱۴۰۰ق). مفاهیم انسانی از دیدگاه امام صادق(ع)، ترجمه: محمد رسول دریایی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۸، رقعی، ۹۸ص.

سایت حوزه